



ایرج فرزاد

نگاهی به کنگره سیزدهم حزب دمکرات

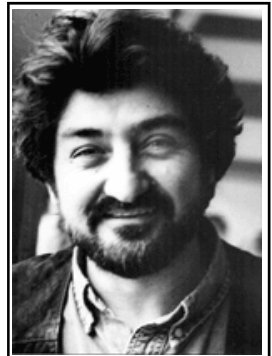
ریشه ها و دورنمای تغییر یک سیاست و شعار استراتژیک

ملی برای خلق کرد در کردستان ایران، و نیز تعویض دبیرکل حزب از عبدالله حسن زاده با مصطفی هجری اعلام شد.

صفحه ۲

جایگزینی: "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" با شعار جدید استراتژیک دیگر یعنی: "برقراری یک سیستم فدرالی پلورالیستی برای ایران و تحقق حق

کنگره ۱۳ حزب دمکرات کردستان ایران از روز سوم ژوئیه امسال به مدت ۵ روز با سرود ملی "ای رقیب" آغاز شد و با یک تغییر در سیاست "استراتژیک این حزب یعنی



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

نگاهی به اوضاع عراق

مصاحبه ایسکرا با رعد سلیم عضو رهبری حزب کمونیست کارگری عراق



رعد سلیم

ایسکرا: تبیین شما از شرایط فعلی عراق چیست؟

رعد سلیم: (آزادی، دمکراسی و رفاه) این شعار وادعای آمریکا برای مردم بدنبال اشغال نظامی عراق بود ولی این ادعاها در کوتاه مدت به مضحکه ای تبدیل شد حتی برای کسانی که به سیاستهای آمریکا خوشبین بودند. بعد از یکسال از اشغال عراق و تحمیل حکومت امریکا و ابادی اش بر عراق نه تنها این شعارها به مرحله عمل در نیامد بلکه شرایطی به مردم عراق تحمیل شد که در تاریخ معاصر این کشور بی نظیر بود. ناامنی، بیکاری میلیونی، کمبود غذا، ترس و وحشت، اعمال حاکمیت میلیشای ارتجاع اسلامی، از هم پاشیدن شیرازه نظم در جامعه و کمبود ابتدایی ترین نیازمندیهای

زندگی از آب و برق و بهداشت گرفته تا اینها شرایطی است که از عواقب جنگ آمریکاست و گریبانگیر مردم عراق شده است. سخن کوتاه سناریوی سیاهی که مردم با آن مواجه است جان میلیونها انسان را در معرض تهدید قرار داده است. ما همان چیزی را که قبل از جنگ پیش بینی میکردیم اکنون بوضوح میبینیم. عدم وجود رضایت مردم از آمریکا هر روز بیشتر و در اشکال

صفحه ۲

درمورد دستگیری دو نفر از مسئولین کانون صنفی معلمان

حزب کمونیست کارگری ایران
صفحه ۴

مراحل نهائی اضمحلال یک آرمان ارتجاعی

ایرج فرزاد
صفحه ۳

اولین شماره نشریه کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا منتشر شد

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: 0046739555085

چهارشنبه ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر، ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز
هر شب ساعت ۹
بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید
radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت:
www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:
سیاوش دانشور

مصاحبه با رعد سلیم (از صفحه اول)

مختلف دامنه اش گسترده تر میشود. وجود آمریکا بمثابة نیروی اشغالگر و طرف اصلی این سناریوی سیاه، بخودی خود عمده ترین زمینه های تقابل را بوجود آورده است. حالا دیگر خواست مردم برای بیرون راندن آمریکا از عراق به خواستی ملموس تبدیل شده تا جائیکه احزاب سیاسی در صورتیکه هویت فعلی خود را در تقابل با آمریکا و یا اخراج قوای آن مطرح نکنند از جانب مردم مزوی گشته و یا جرأت روبرو شدن با مردم را ندارند. بطور کلی جامعه عراق بمثابة جامعه مدنی در معرض تهدید از هم پاشیدن ناشی از جنگ قومی، مذهبی و عشیره ای قرار گرفته است.

ایسکرا: آیا تشکیل حکومت موقت میتواند این وضعیت نابسامان را مهار کند؟

رعد سلیم: آمریکا در عراق دچار سردرگمی شده و به

هرشویه ممکن میخواهد از این وضعیت رهائی یابد. سیاستهای از تشکیل دولت موقت گرفته تا مسئله انتخابات و بازیهای دیگرش نتوانسته کمکی در جهت رهائی از این سرگردانی برای آمریکا را فراهم کند.

مردم عراق به شکل سیاسی و عملی هیچ مشروعیتی برای حکومت علاوی قائل نیستند و اعتماد ندارند که حکومت فعلی بتواند امنیت ایجاد کند. مردم میدانند که مشروعیت دادن به حکومت علاوی به معنای مشروعیت دادن به حضور آمریکا در عراق است بعبارت دیگر مشروعیت دادن به ادامه نا امنی و از هم پاشیدن شیرازه جامعه مدنی در عراق است.

مردم حتی به این نتیجه رسیده اند که هیچ حکومتی در سایه حمایت آمریکا در عراق نمیتواند ابتدائی ترین نیازهای مردم را برآورده کند، چون آمریکا مسبب ایجاد این وضعیت است. از آنجاکه

حکومت موقت به نوعی در صدد است که از طریق پیش گرفتن سرکوب و استبداد جاپای خود را محکم کند، همین خود به مردم عراق این احساس را داده است که حکومت علاوی، حکومت صدام است بدون صدام. ولی اینها با این سیاست هم نمیتواند جاپایی برای خود باز کنند. از طرف دیگر این حکومت ملغمه ای از ناسیونالیسم، قومگرایی و اسلامگرایی است که خود جبهه ای از سناریوی سیاه در عراق هستند. بهمین جهت این حکومت هیچ احترامی در میان مردم و حتی در میان دستگاه و دوایر دولتی هم ندارد و برای همین نمیتواند کاری از پیش ببرد.

ایسکرا: راجع به پلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق میتوانید مختصر توضیحاتی بیان کنید؟

رعد سلیم: پلنوم ۱۴ کمیته مرکزی حزب با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی و کادرهای فعال عرصه های

مختلف و نمایندگان ارگانها از کل تشکیلات حزب در عراق برگزار شد.

لازم به یادآوری است که برای اولین بار کمونیستها بدین شکل با این شرایط و سناریوی سیاه از نوع امروزی مواجه میشوند و بطبع فعالیتهای کمونیستی و حزبی در دل این اوضاع بمراتب دشوارتر میگردد که همین امر رسالت و وظایف کار پلنوم ما را بیشتر میکرد تا بتواند از عهده جوابگوئی به این شرایط بر آید. پلنوم در اوضاع سیاسی مهمی که پیشروای مردم عراق است برگزار شد. پلنوم با تأکید بر شرایط حساس و تحولات پیش بینی شده فعلی و آینده عراق مباحث ارزنده ای از جمله در مورد حضور آمریکا و نیروهای سناریوی سیاه، وضعیت حزب و تحولات پیشرو، جایگاه حزب در شرایط فعلی و رسالت کمونیسم کارگری، مسئله کسب قدرت سیاسی برای حزب و تقویت حزب بمثابة نیروی سیاسی قدرتمند در صحنه سیاسی عراق، همچنین

شده از قدرت، به روی آوری به اپوزیسیون راست و خرده جریانات ارتجاعی قوم پرست برای ایجاد سیستم "پلورالیستی فدرالی" روی آورده است. اما فاکتور مهمتر که کل ناسیونالیسم کرد بویژه در کردستان ایران و عراق را تحت تأثیر قرار داده است، شکست سیاست آمریکا در عراق و بن بست است که حکومت آمریکا با آن روبروست. احزاب ناسیونالیست کرد که به مسابقه عجولانه ای برای رفتن زیر پرچم آمریکا بویژه در فاصله مارس سال گذشته، تاکنون دست زده بودند، در مواجهه با بن بست است که حکومت بوش با آن دست به گریبان شده است، بطور کلی از آمریکا و نقش آن بعنوان "متحد و آزاد کننده کردها" دچار سرخوردگی شیدیدی شدند. دورنمای به نان و نوا رسیدن احزاب ناسیونالیست تاریک و تاریکتر شد و رهبری حزب دمکرات که با دستپاچگی در خیال و اوهام به قدرت معجزه آسای پدر جدید کردها، بیهوده و به عبث به عجز و

موضعگیری در قبال جریانات مختلف و نیز بررسی شرایط فعلی کردستان و طرح استقلال، مسئله کنگره، مالی و تسلیح از جمله مباحث مهم پلنوم بودند.

پلنوم توانست جهت های حزب برای دور آتی در پاسخگوئی به مسائل حساس و نیز تدوین نقشه عملهای جدید در مقابله با سناریوی سیاه موجود در عراق و نیز نقش و جایگاه حزب در تحولات و جانبداری از منافع مردم را تعیین نماید.

پلنوم چند قطعه مهم راجع به کار حزب و تقویت آن، تلاش در جهت جلب و جذب هرچه بیشتر مردم حول سیاستهای حزب، و نیز قرار در مورد جدائی کردستان برای اخراج شدن از سناریوی سیاه در عراق و اعلام موضع در قبال تحولات اجتماعی عراق به تصویب رساند.

ترجمه: علی عبدالی

جامعه ای مبتنی بر تضادها و نفرتها و انتقامجوئتها و پاکسازنهای قومی ملی نیست، اما سپردن عقل سیاسی حزب دمکرات از مغز به چشم، این حزب را از دیدن واقعیات سرسخت و دیرپای مکانیسمهای اجتماعی و سیاسی جامعه ایران بازداشته است. دور فعلی و آتی جدال گرایشات اجتماعی در جامعه ایران يك بار دیگر، تناقض پراگماتیسم کوتاه بینانه حزب دمکرات و خیالات ساده لوحانه فرورفتن جامعه ایران در منجلاب تضادها و کشتارهای قومی، را با قدرت غیر قابل مقاومتی روبرو خواهد ساخت. رهبری حزب دمکرات در این کنگره نیز نشان داد که از شناخت مکانیسمهای پایه ای تحولات جامعه ایران عاجز مانده است. در این مورد باز بیشتر خواهیم گفت.

۱۳ ژوئیه

کنگره سیزدهم حزب دمکرات (از صفحه اول)

همین حزب دمکرات برای انتخابات مجلس ششم رسماً فراخوان شرکت داد، برای "انتخابات" شوراهای اسلامی دعوت به شرکت فعالانه داد و هست و نیستش را بری سرمایه گزاری در "تحولات فرهنگی، ادبی" دوران صدارت دوخردادها در طبق اخلاص گذاشت. مضحکه انتخابات مجلس هفتم و پرتاب کردن چهره های شاخص دوخردادیون "کرد" از حاکمیت و نمایندگی مجلس اسلامی، و سلب صلاحیت از کاندیدهای واقعی حزب دمکرات در این نمایش، امثال بها ادب و جلالی زاده، يك فاکتور تعیین کننده در یاس حزب دمکرات و این تغییرشعار استراتژیک است. این عامل یکی از پایه های مهم مصوبه جدید استراتژیک حزب دمکرات است. حزب دمکرات بجای امید بستن به سازش با جمهوری اسلامی از طریق دوخردادیون اکنون ساقط

بحث در باره این تغییر شیفت و سیاست استراتژیک حزب دمکرات و ریشه ها و عللی که موجب چنین تصمیمی در بالاترین مرجع حزب دمکرات شده است را به فرصتهای دیگری موکول میکنیم. اما يك اشاره کوتاه به دلایل زمینی اتخاذ چنین مصوبه ای و يك مقایسه با جهتگیریهای کنگره های قبلی لازم است. دو فاکتور سیاسی هم در صحنه سیاست جامعه ایران و هم در سطح منطقه، یعنی "انتخابات" مجلس هفتم جمهوری اسلامی و به حاشیه رفتن "اصلاح طلبان" و اوضاعی که آمریکا در عراق با آن دست به گریبان است این تغییر سیاست استراتژیک حزب دمکرات را توضیح میدهند. در سطح جامعه ایران، حزب دمکرات و تمام شعب گرایش ناسیونالیسم کرد، امید زیادی به دوخرداد، دیالوگ و مذاکره و تفاهم از راه فرهنگ دوخته بودند.

مراحل نهائی اضمحلال یک آرمان ارتجاعی

ایرج فرزاد

داستان عروج و افول "اصلاح طلبان" حکومتی به اندازه کافی، تصویری از جمهوری اسلامی و نیز سیر تکوین و سرانجام نهائی آمال بورژوازی "ملی-مترقی" را بدست داده است.

کل فلسفه رژیم اسلامی، حکایت و آئینه تمام قد اسطوره بورژوازی ملی و خودی هم بوده است. رژیم اسلامی مدتها پس از نسل کشیهای وحشتناک فلسفه وجودیش را به پایان برده بود. زان پس معضل دارو دسته های اسلامی حاکم بر ایران حفظ خود و تلاش بقا بوده است در برابر مردمی که علیرغم همه جنایات اسلامی مصمم به بزیر کشیدن کل بساط توحش اسلامی بوده اند. جناحهای رژیم در پی بقا، هر کدام با موضع خود در جستجوی ادامه کل رژیم برآمدند. "اصلاح طلبان" فهمیده بودند که بدون کسب لایه های وسیعتری به حمایت از رژیم، مرگ زودرس تر از آن است که تصور میکردند. "تمامیت خواهان" برعکس آگاه بودند که هر نوع باز کردن منفذ حتی برای خودی ترین خودیها، میدان را به مردمی که در کمین رژیم نشستند اند واگذار خواهد کرد. کشمکش دو شاخه رژیم با "انتخابات" مجلس هفتم، به نقطه تعادل و البته شکننده تر جدیدی رسید. حاصل این کشمکش این شد که رژیم اسلامی در گسترش کسب مشروعیت خویش در میان لایه های طرفدار خود با میدان تنگ و تنگ تری روپرو شد. و البته این نتیجه منطقی عقیم بودن هر تلاشی برای اصلاح رژیم اسلامی بود. بسیاری از طیف ملی مذهبی درون و بیرون حکومتی رژیم، شریک در تمام آرمانهای اسلامی کردن انقلاب مردم علیه رژیم شاه، در تناقضی که با عروج رژیم اسلامی همزاد آن پا به دایره قدرت گذاشته بود گرفتار آمدند. رژیم جمهوری اسلامی، به یک معنی دولت سازمانده اقتصاد و

راه اندازنده "چرخ اقتصاد مملکت" نبوده و نیست. مثال عملی شده و اجرا شده ضد کمونیسم آل احمدهای مغفور و پلاستیکی، هر دو، و تجربه قابل ارزیابی و مشخص نفرت علیه غرب زدگی و مدنیت غرب بود. هر آنچه را که در فرهنگ و ادبیات سنتی و اصیل در ذخیره داشتند، شانه به شانه قدرتگیری اسلام سیاسی تماما به مقام دولتی ارتقا دادند. آنچه که علیه "وابستگی"، در استعاره و تمثیل نشانی ترسو از نق زدنهای اپوزیسیون ملی مذهبی بود، آنجا که فاطمه، فاطمه بود و شریعتی تحقیر آزادی زن در مدنیت غرب و خلاصی از جهالت و ارتجاع قرون وسطی را به نشانه جهاد و بیداری ملت "مسلمان" "تدریس" میکرد، با قدرت رژیم اسلامی، به مقام سرود رسمی و آهنگ و ادبیات و فرهنگ شهادت و نوحه دولتی و نماد مقاومت و ایثار پرتاب شد. خمینی، مطهری، شریعتی، آل احمد، خلخالی و رئیس دانا و شیرین عبادی و دولت آبادی و نگهدار و کیانوری و در چرکین ترین نقطه تالاقی: خاتمی و لاجوردی، همیگر را باز یافتند و باز شناختند. یک آرمان پوج و ارتجاعی از مسیرهای مختلف و گاه ظاهرا متضاد، پرسوناژی سناریو عملی شده خود را در صحنه جامعه ایران به رژه در صف و اردوی واحدی نظام جمع داد. به سیستم پولی و بانکی در کشور تحت سلطه باندهی اسلامی نگاه کنید، چندین ارگان موازی نهادهای فرمال در میزان نقدینگی، حجم پول و سرمایه در گردش، نرخ ارز و نرخ بهره مستقیما دخیل و ذینفعند، ارگانهایی که اتفاقا سرشان به مراکز قدرت متصل است. صندوقهای قرض الحسنه و نهاد "امنیتی" اداره اماکن، خود موسسات پیچیده و وسیع بانکی و اقتصادی هستند که عملا هر نوع کنترل متمرکز دولتی را بر بخشهای مختلف اقتصاد فلج کرده اند. "برنامه چهارم توسعه" مصوب فرمال مجلس اسلامی هنوز در کش و قوس و رفت و

برگشتهای شورای نگهبان و ایرادات "شرعی" به آن و احاله چندین باره به شورای مصلحت مانده است. هزاران کارگر "حقوق معوقه" را هنوز دریافت نکرده اند. خود همین پدیده به اندازه کافی گویاست. دولتی که فراتر از منافع باندهای اسلامی حاکم بر ایران بتواند حداقل موازینی را برای خرید و فروش نیروی کار و پرداخت دستمزدها، هر چند ناچیز، تضمین کند، خود در دست همان باندهاست و به دلیل خصلت اسلامی رژیم بین مراکز قدرتی که شالوده رژیم را تشکیل میدهند تقسیم شده است. رشوه خوارهای کلان و دخالت طفیلیهای پشت گرم به سران رژیم و آیت الله ها و "بیت" های آنان در قاچاق کالا و خرید و فروش ارز و زمین و مستغلات بین بالاترین مقامات رژیم یک نرم عادی به جیب زدن ثروتهای افسانه ای و در همان حال رواج غیر قابل کنترل اقتصاد تاراج و چپاول راهزنان اسلامی حاکم بر ایران است. زندان در رژیم اسلامی به مرکزی برای سرایت جرم و محل پردرآمدی برای توزیع مواد مخدر و شیوع انواع بیماریهای چون ایدز و هیپاتیت تبدیل شده است و جالب این است که بالاترین مقامات انتظامی و امنیتی رژیم رسما چندین بار اعلام کرده اند که کاری از دستشان در این زمینه ها ساخته نیست. کودکان خیابانی، دختران فراری و خرید و فروش آنها معضلی است که نهادهای مسئول در این زمینه ها علنا از خود سلب مسئولیت و اعلام ناتوانی کرده اند. پدیده اعتیاد و مواد مخدر و توزیع آن نیز وضعیت به مراتب بدتری دارد. دلیل چنین بحران عظیم اقتصادی و بردن جامعه ایران تا مرز سقوط به فلاکت این نیست که باید مدام به دولت وظایف آزا یاد آور شد، و یا منحنی خطی رابطه توسعه سیاسی با رشد اقتصادی را ضمیمه "دکترین رفسنجانی" ساخت. تلاش عبث و پوچی که کل شیفتگان اصلاح رژیم اسلامی طی این سالها در پی آن بوده اند و علیرغم گذاشتن هست و

نیست خود، به جایی نرسیده اند. رژیم اسلامی، رژیم سرکوب یک انقلاب و اسلامی کردن آن انقلاب بوسیله خون پاشیدن و جنایت سازمانیافته و نسل کشیها علیه بشریت است. این رژیم با پایان گرفتن این رسالت فوق ارتجاعی و ضد انسانی، و با قرار گرفتن در برابر مردمی که از زیر فشار این سالها جنایت و آدمکشی باز قد علم کرده اند، و در برابر نسلی که کل موجودیتش در تناقض با اسلام و اسلام زدگی است، تمام بودجه و امکانات این مملکت را صرف بقای خود و دارو دسته های اسلامی میکنند. اگر اقتصادی تحت جمهوری اسلامی مطرح است، اگر بودجه بندی و تخصیص امکانات مالی و پولی در میان است، تماما بودجه حفظ و نگهداری رژیم اسلامی، و کل نهادها و ارگانهای است که رژیم اسلامی بر آنها استوار است. تلاش احماقانه طیف پرو رژیم برای "اصلاح" رژیم و افسار زدن به یک رژیم سرتاپا خونین باندهای اسلامی، کوشش برای شیر فهم کردن حکومت یک مشت جناتکار اسلامی، از شیفتگی به آزوی پوچ یعنی "دولت ملی و خودی" از درون فاشیسم اسلامی نشات میگردد. و جالب این است که بعد از پرتاب شدن و توسری خوردن دوخردادیون حکومتی در جریان انتخابات مجلس هفتم و علیرغم اینکه بیشتر از هر کس دیگری این ملی مذهبیون اند که یکبار به استغاثه و عجز و درماندگی ناله میکنند که دل از اصلاح رژیم اسلامی کنده اند، اما باز روزنه امید حواشی بیرون حکومتی اصلاح طلبان به حاشیه رانده شده، آه و افسوسهای امثال فاطمه حقیقت جو، مزین به عکس تماما خواهر زینبی او، صفحات اصلی روزنامه های آنان و سر مقاله و مطالب اصلی سایتهایشان را پر میکند. فاطمه فاطمه است! این پیام معلم شهید حسینیه ارشاد، اکنون دیگر کل هویت و تنها نقطه امید جماعت ملی مذهبی است. ارتجاعی لخت و عریان و وقیح و دارای کارنامه ای از جنایت و آشوبتهای اسلامی.

تاکنونی نشان داده است که اینها، با شخصیتهای شاخص خود، هر فرصتی را برای دل کندن از جایگاه ارتجاع اسلامی و تفکر و سنت اسلامی تنیده در ملی گرایی از دست دادند. انگار عقد شیری بسته اند که با رژیم اسلامی آمده اند تا با رژیم اسلامی هم بروند. و این نوستالژی مدفون در زیر آوار حسرتها، نیروئی باقی نمیگذارد تا در شرایط فقدان رژیم اسلامی، بشود، آنگاه که حتی نورافکن گردان است، در فرصتی در تاریکی، صف و صندلی خود را عوض کنند. اپوزیسیون پرو رژیم شانس چرخیدن بسوی اپوزیسیون راست را هم کم و کمتر کرده است. سرانجام نهائی آرمان به قدرت رسیدن بورژوازی ملی مذهبی به راستی به سرنوشت رقت باری رسید.

سوسیالیسم و قدرتگیری کمونیسم کارگری، ستونهای است که مردم ایران در صف آرائی خود در برابر رژیم اسلامی، باید انتخاب و بر آن متکی شوند.

آثار منصور حکمت را بخوانید، به سخنرانیهای او گوش دهید و مقالات و نوشته های او را بازتکثیر و در محافل و جمعهای وسیع پخش و توزیع کنید، در باره مفاد برنامه یک دنیای بهتر بحث و تبادل نظر کنید، میانی و راهها و روشهای گسترش جنبش کمونیسم کارگری و نقد گرایشات بورژوازی را بارها و بارها مرور کنید و خود را به سلاح برنده به پیروزی رساندن کمونیسم در ایران مسلح کنید کمونیسم کارگری منصور حکمت و جنبش اجتماعی و حزبی او را تحکیم و گسترش دهید

آدرس سایت منصور حکمت:

www.m-hekmat.com

درمورد دستگیری دو نفر از مسئولین کانون صنفی معلمان

بنا به گزارشهای مختلف دو نفر از مسئولین کانون صنفی معلمان بنام محمود بهشتی لنگرودی دبیر و علی اصغر ذاتی سخنگوی این کانون توسط نیروهی جمهوری اسلامی دستگیر شده و به بازداشتگاه نامعلومی منتقل شده اند. از سرنوشت این دونفر اطلاع دقیقی در دست نیست. این تلاش جمهوری اسلامی بری عقب راندن مبارزات سراسری معلمان است که چند سال است بری دستیابی به خواستهی برحق و انسانی خویش مبارزه میکنند و خواستهی آنان جز سرکوب و تهدید و دستگیری پاسخی نگرفته است. معلمان دستگیر شده باید فوراً آزاد شوند. باید همه جا و به هر شیوه ممکن اعلام کنیم که خواستهی

معلمان نظیر افزایش حقوق، رفع تبعیض، انتخابی بودن مدیران مدارس، پایان دادن به فضای تفتیش عقاید در مدارس و حق مسکن، خواست همه ما مردم است و باید فوراً عملی شود. سران جنایتکار اسلامی مطمئن باشند که این دستگیری ها معلمان و بخشهی مختلف جامعه را از ادامه مبارزه باز نخواهد داشت. با اینکار فقط پرونده جنایات خود را سنگین تر میکنند.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزه معلمان بری خواستهی عادلانه خود حمایت میکند و همه کارگران و دانشجویان و معلمان و مردم ایران را به مقابله متحدانه با سیاست دستگیریها و تعرض این

حکومت منفرور فرا میخواند. باید در برابر تهاجمات جمهوری اسلامی که در تقلی این است که اعتراضات گسترده ی را که در جامعه جریان دارد با دستگیری و تهاجم و حکومت نظامی به عقب براند، قاطعانه ایستاد و از این مبارزات و خواستها به هر شکل ممکن اعلام پشتیبانی کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ تیر ۱۳۸۳
۱۲ ژوئیه ۲۰۰۴

اولین شماره نشریه کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا به سردبیری هما ارجمند و با همکاری جلیل بهروزی و بابک یزدی منتشر شد

مسئول کمپین: هما ارجمند
homawpi@rogers.com
Tel: (416) 737-9500

به کوشش: جلیل بهروزی و بابک یزدی
babakyazdi@yahoo.com

وب سایت: www.nosharia.com
E-mail: noshariacourt@nosharia.com

کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا

کمپین علیه دادگاههای اسلامی در کانادا، جبهه ای دیگر علیه اسلام سیاسی

از این روزها سکن است از پخش شدن خبرها و گزارشها در مورد دادگاههای اسلامی در کانادا. این دادگاهها که در شهرهای مختلف کانادا در حال تشکیل است، از سوی دولت فدرال کانادا تأسیس شده است. این دادگاهها برای رسیدن به عدالت برای زنان مسلمان در مورد مسائل خانوادگی و جنسی ایجاد شده است. اما این دادگاهها به دلیل تبعیض علیه زنان مسلمان و نقض حقوق اساسی آنها، مورد انتقاد گسترده است. کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا، با هدف آگاهی رسانی و بسیج مردمی در برابر این اقدام ناعادلانه تشکیل شده است. ما می خواهیم با هم ایستادگی کنیم و برای لغو این دادگاهها تلاش کنیم.

ما کیستیم و چه اهدافی داریم.



ما کیستیم و چه اهدافی داریم. ما گروهی از زنان مسلمان هستیم که می خواهیم برای حقوق خود ایستادگی کنیم. ما می خواهیم با هم ایستادگی کنیم و برای لغو این دادگاهها تلاش کنیم.

از میان اطلاعیه های کمیته کردستان حزب

تهیه و تنظیم از: اسماعیل ویسی

سقز

چنانچه در عرض ۲ روز آینده به خواستهایشان جواب مثبت داده نشود، اعتصاب خواهند کرد.

طبق این خبر روز دوشنبه ۱۵ تیر، دو نفر از اعضای هیئت مدیره این انجمن بنامههی فاتح حسن پور و محمد احمدپور، همراه نمایندگان فرمانداری، اداره کار و تعدلی از مقامات دیگر رژیم در شهر سقز، تشکیل جلسه اضطراری داده اند.

طبق خبر در این جلسه کارگران اعلام کرده اند که تمامی حقوق آنها بایستی فوراً پرداخت شود. امروز نماینده اداره کار به کارگران شفاها اعلام کرده است که با خواست افزایش دستمزدها موافق هستند.

در ادامه آمده است که، کمیته شهر سقز حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از خواسته هی بر حق کارگران خباز، تمامی کارگران شاخه هی تولیدی دیگر و مردم شهر سقز را به دفاع و پشتیبانی از مبارزات کارگران خباز بری رسیدن به خواسته هایشان فرامیخواند. و بر ضرورت همبستگی و همگام شدن کارگران خباز شهرهی سنندج، دیواندره و

کارگران به جرم شرکت در مراسم اول ماه مه را کم کند. در ادامه خطاب به مردم آزادیخواه و کارگران آمده است؛ در جریان هستنید که جمهوری اسلامی به مراسم اول ماه شهر سقز وحشیانه حمله نمود و ۵۱ نفر از دستگیر کرد و ۷ نفر از دستگیر شدگان بمدت ۱۲ روز در زندان بسر بردند. که از جانب شما و در ابعاد جهانی مورد حمایت و بشدت محکوم گردید. که نهایتا منجر به آزاد شدن دستگیرشدگان گردید. این بار هم میتوانیم و باید در اتحاد و همبستگی، توطئه جدید جمهوری اسلامی را رسوا کنیم و اجازه ندهیم که این کارگران مبارز قندی اهداف ضد کارگری رژیم شوند.

مریوان

در اطلاعیه کمیته مریوان حزب بتاريخ ۱۵ تیر ماه ۱۳۸۳ آمده است که؛ روز شنبه ۱۳ تیر ماه، دو برادر به اسامی "شهریار و دانا عزیزیان" از اهالی روستی نگل واقع در مسیر مریوان - سنندج در اثر برق گرفتگی جان باختند. شهریار و دانا همراه تعداد دیگری از جوانان این روستا جهت تفریح و ماهیگیری

به کنار رودخانه نگل میروند. موتور برقی را همراه داشته تا با اتصال برق موتور به آب ماهی بگیرند. ... این دو برادر دو سر سیم برق وصل شده به موتور را همراه خود به داخل آب میبرند، با کمال تاسف قبل از خارج شدن از داخل آب، یکی از دوستانشان اشتباها "موتور برقی را روشن میکند و بر اثر تولید جریان برق شهریار و دانا جان خود را از دست میدهند. در ادامه این اطلاعیه آمده است که، روز جمعه ۱۲ تیر ماه ۱۳۸۳ "حبیب الله مساحی در سن ۲۶ سالگی از اهالی روستی "نگل" که بمدت چهار سال در یکی از شرکتهی ساختمانی در بندر ماه شهر به کارگری مشغول بود، در حین کار به دلیل ریزش خاک جان خود را از دست میدهد. اینجا نیز عدم وسایل ایمنی چون صدها مراکز دیگر کارگری در ایران جان حبیب کارگر جوان را گرفت. فر خارمه اطلاعیه، کمیته مریوان حزب کمونیست کارگری ضمن ابراز تاسف فراوان جان باختن "شهریار، دانا و حبیب" را به عزیزان و بستگانشان تسلیت میگوید.
